



مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰

موضوع:

بحر طویل فارسی و بحر طویل سرایان

به راهنمایی:

حضرت استادی دکتر مظاهر مصفا

نگارش و تدوین:

حسن ذوالفقاری

فهرست مطالب

مقدمه يك

بخش اول: بحر طویل در ادب فارسی

- ۱- تعریف ۱
- ۲- ویژگیها ۳
- ۳- تسمیه ۱۰
- ۴- چگونگی تکوین ۱۲
- ۵- تاریخچه و نخستین بحر طویل ۲۳
- ۶- آرای محققان ۳۰
- ۷- نقد و بررسی آرا ۴۹
- ۸- موضوعات
- ۱/۸- موضوعات دینی و مذهبی ۵۴
- ۲/۸- موضوعات غنائی و عشقی ۵۹
- ۳/۸- مکتوبات ۵۹
- ۴/۸- سخنوری ۶۰
- ۵/۸- طنز ۶۲
- ۶/۸- بیان واقعه و شرح حال ۶۴
- ۷/۸- مسائل اجتماعی ۶۴

۶۰ ۹ - محسنات ادبسی

۷۱ ۱۰ - ارتباط بحر طویل با بند عربی

بخش دوم : بحر طویل سرایان تا عمر حاضر

۸۰ ۱ - حمدی

۹۳ ۲ - دانیال دولرخانی

۱۰۱ ۳ - سید عبدالعظیم

۱۰۸ ۴ - عصمت ا... بخارائی

۱۴۵ ۵ - طرزی افشار

۱۴۸ ۶ - رموز حمزه

۱۳۰ ۷ - محمد قاسم فتوی

۱۴۰ ۸ - خاکسی

۱۴۹ ۹ - سید مهتری جبل عاملی

۱۶۳ ۱۰ - شاهد انیشابوری

۱۷۲ ۱۱ - ساعی شیروانی

۱۸۵ ۱۲ - مایه

۱۹۱ ۱۳ - مجتبی

۲۰۴ ۱۴ - توفیق کشمیری

۲۱۰ ۱۵ - فائز

۲۱۸ ۱۶ - شاه فاتح

۲۲۵	۱۷ - نباتی
۲۳۰	۱۸ - به-گو
۲۴۸	۱۹ - عبدالعلی
۲۵۵	۲۰ - جوهری
۲۷۳	۲۱ - ناشناس
۲۸۴	۲۲ - صامت بروجردی
۲۹۷	۲۳ - رفعت‌تسمانی
۳۱۴	۲۴ - نادم انصاری
۳۲۰	۲۵ - آصف
۳۲۲	۲۶ - صفیر اصفهانی
۳۳۵	۲۷ - مجتبی مینوی
۳۳۷	۲۸ - گلچین گیلانی
۳۴۰	۲۹ - سجادی
۳۴۱	۴۰ - ناطق ارستانی
۳۴۲	۴۱ - ناشناس
۳۴۳	۴۲ - صفائی
۳۴۶	۴۳ - سید طاهر شاهچراغی
۳۵۱	۴۴ - ابوالقاسم حالت
۳۵۹	۴۵ - فهرست اعلام
۳۶۵	۴۶ - فهرست اماکن
۳۶۹	۴۷ - کتابشناسی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

« منشاء نشئه صهبای سخن پیام کریمی است که در بزم کرم چیده بساط طرب
و شیشه ابر و خم گردون و گل ثابت و پیمانۀ سیار، و دف هاله و عود شب و جام
شفق و چینی صبح و کجک موج و رود و رگ آب و صی فواره مهتاب و گل افشان خزان در
چمن سبز بهاران و غزلخوانی مرغان خوش الحان که بقانون طرب گم کند عاشق
بی برک و نوا را. » مانع کار که کهن حکیمی که بر آرد رگ ابر و سر نشتر برو و
گهر ریشه باران و مرشد جگر رعد و خدنگر ویش زاله و طومار زر و غنچه تاج و گل
و زلف و شکن سنبل و جعد کجه سبزه و تیغ دودم سوسن و مقز قلم نرگس و سرینجه
مرجان و خم زلف عروسان و نهال گل نیسان و خط جدول و چتر چمن و قبه سیماب و
حباب پیر مرغابی موج و فلاح دیده گرداب که در حلقه پرگار سراسیمه کند باد مبارک
(۱)

موضوع سخن در این رساله بحر طویل فارسی است و نه بحر طویل

عروضی. می گوئیم تا با ذکر نمونه های کافی به تعریف، تسمیه، خصایص، صناعات
موضوعات و مواردی دیگر بپردازیم. جهت این کار نمونه هایی از جنک های خلی و از
دوا این چاپی شعرا جستیم و در پایان به انضمام زندگی مختصری از سراینندگان
آوردیم. جمع آوری این همه چندین سال بطول انجامید تا رساله پایان نامه
علت جمع و تدوین یادداشت های پراکنده گشت.

(۱) دو بند از بحر طویل شاهدای نیشابوری (زنده ۱۰۲۷)

و ما از میان پیامبران جرجیس را بر گزیدیم در این سالها که میتوان
هر موضوع عام و ساده و زود یاب را عنوان رساله‌ای قرار داد "نمره‌ای"
گرفت. از آنجائیکه کمتر بدین قالب شعری توجه شده است و هم علاقه خاصی که
حاصل شنیدن قطعاتی از این بحر طویل‌ها بود هر دو مشوق و محرک
من بودند.

منابع بسیار اندک بود پس با توجه به نمونه‌های موجود به تعریف و ویژگیها
و سایر مباحث پرداختم. با اجازه از تمامی اهل ادب در چندین جای
مجبور به ابراز نظر خود شدم که مستدعی بخشایش این گستاخی هستم و
هم هر گونه سهو و خطایی که دیده می‌شود. و اقتضای لئب آنست که قبل از
همه از اساتید خود یاد کرده باشم و پاس حرمت ایشان داشته باشم طوق
بندگی همه آنان بر گردن من است که .

من علمنی حرفه

سپاس اولم از استاد ارجمند و بزرگوارم حضرت دکتر مصفا است که از سر
لطف و ذره پروری استادی راهنمایم را پذیرفتند و از نظراتشان بسیار بهره‌ها
جستم. دیگر استاد مرحوم مهدی اخوان ثالث (م. امیه) که این قالب
غریب را بطور نسبتاً جامعی برای اولین بار شناساند. از نظرات ایشان
بسیار استفاده کردم.

و دکتر شفیع کدکنی که با دقت و ظرافت اندیشه خود در موسیقی شعر
بند عربی را ماخوذ و مقتبس از بحر طویل فارسی دانستند و همو که
مشوق من در این رساله بودند.

و سرانجام معلم همیشگی و استاد یگانه‌ام که همواره نظر لطف و دست
مرحمت و دل پاکش با من است چه در این رساله و چه در دیگر کارهایم

حضرت استاد جناب آقای حسین معلم عضو تشکر و ابراز امتنان می نمایم که کار -
باز خوانی رساله را با دقت فراوان و از سر صبر پذیرفتند و از نظرات ایشان در بسیاری
از جایها سود بردم . بادا که همت تمامی این عزیزان بدرقه راه گردد تا ظلمات جهل
به برکت هدایت این بزرگ اندیشمندان عین نور گردد .

گفتنی است که عمده مأخذ و منابع را از کتابخانه بزرگ قمر بنی هاشم وابسته
به دفتر نشر فرهنگ اسلامی حسینیه حضرت ابوالفضل (ع) دامغان گرفتیم . کتابخانه ایست
با بیش از ۴ هزار جلد کتاب خطی، چاپی و چاپ سنگی در تمامی موضوعات که نظیر آن در
خطه قوس و بیشتر جاهای ایران نیست با تشکیلاتی چند به مدیریت استاد حسین معلم .
و بعد از این چند نکته دیگر که جایز در همین مقدمه است :

۱ - رساله در دو بخش تنظیم شده است :

الف - بحر طویل فارسی : شامل مباحثی در چگونگی پیدایش تعریف - تسمیه -

موضوعات - ارتباط با بند عربی - حسنات ادبی - نظریات محققان که بطور اجمال

و گاه تفصیل به هر یک پرداختیم .

ب - بحر طویل سرایان : که نمونه های قدیم و جدید از نسخ خطی کتابخانه ها و نسخ چاپی
جمع آوری شد و در ابتدای هر بحر طویل اشاره ای به زندگی سراینده نمودیم چون
سرایندگان از شاعران غیر مشهور بودند تا لیف زندگی هر یک مشکلاتی را در برداشت
که تدوین زندگی این سراینندگان نیز وقت و مأخذ و منابع بسیاری را طلب کرد و همین
بخش خود کار دیگری است .

۲ - بحر طویل های این مجموعه تنها قطره ای از دریا است و اندکی از بسیار . این

مقدار تنها کوشش‌مات و تا آنجا که امکان داشت از میان مجموعه‌ها و جنگ‌ها و
بیابان‌های خطی بحر طویل‌هایی را استخراج کردیم و الا در گوشه و کنار این خاک‌چه
بسیار بحر طویل‌ها گفته شده است که دست‌رسی بدانها مشکل بود و همین مقدار دلالت
بر خروار دارد.

۳- از بعضی بحر طویل‌ها دویا چند نسخه وجود داشت که کار تصحیح قیاسی و انتقادی
انجام گرفت.

۴- تنظیم بحر طویل‌ها بر اساس قدمت تاریخی است.

۵- بدلیل پرهیز از افزونی صفحات تنها صفحه اول از بعضی نسخ نفیس را در ابتدای
بحر طویل‌ها (بخش دوم) آوردیم.

دامغان

پائیز ۱۳۲۰ - حسن ذوالفقاری

بحر طویل در ادب فارسی نوعی گزینه شعری است. اما به تسلسل چونان زنجیری بهم پیوسته و رودی مواج در خروش یا سکون اما متناسب که آنرا با بحر طویل از بحور شعر خلیل بن احمد عروضی که عرب را بدان استقبالی تمام است تفاوتی بسیار است.

چون این قلعه از سوید شاعر هندی که هر مصرع آن تضمین مصرعی از غزل حافظ است :

«الایا ایها الصافی» به عارض ماه آفاقی نظر بر تیره روزان کن چراغ
ما فروزان کن بدست چون ید بیضا سر مینای می بگشا دماغ آشفته مخدوم بده
مهلبای پر زووم یك امشب می پرستم کن سیه مست السنم کن
ترا گویم که بی در بی برای این دل شیدا بی این جان غم فرسا « ادر کایا
ونا ولها » .

و اما بحر طویل در بحور خلیل عروضی :

این قالب مبتنی بر فعلون مفاعیلن است که در میان ادیبان فارسی زبان ادبالی بدان نشده و تنها معدودی بدان طبع آزموده اند چون ادیب صابر از متقدمان آنجا که می گوید :

به بحر طویل آمد بسی شعر در تازی

بدین سان بود بیشک چو تقطیعش آغازی

فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن زهی مملکت را چون فلک دام دسازی
 و از مداخلان اخوان ثالث با تقطیع : فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن
 دگر ره شب آمد تا جهانی سیا کند جهانی سیاهی تا با دلم چه ها کند
 بیامد که باز آن تیره مفرش بگسترد همان گوهر آجین خیمه اش را بپاکند
 سبسی گاه اش را می شبانی کند پله در این دشت از رو تا بهر سو چرا کند
 (۲)

(۱) سیری در شعر فارسی ص ۴۷۹

(۲) از این اوستا ص ۸۸

ویژگیها

این گونه شعری دارای خصایر و ویژگیهایی چند به قرار زیر است :

۱- نوعی قالب شعری در ردیف بدیهه قوالبشعری چه ن قصیده و غزل و مستزاد و مثنوی و است که متاسفانه در کتب بدیعی قدیم و جدید بدان اشاره ای نشده ، گویی که در ادب فارسی جایی نداشته و تنها نام آنرا در حوزه ادب عوام برده اند
ویرس*

میتوان گفت که بحر طویل از نظر شکل همان قصیده است با این تفاوت که در قصیده تعداد ابیات بیشتر از بحر طویل است و در بحر طویل تعداد ابیات اندک اما بندها بلند است چنانکه در بند از تعداد بیشمار ی رکن عروضی تشکیل شده است

بحر طویل	قصیده
_____	*-----*
_____	*-----*
_____	*-----*
_____*	*-----*
_____	*-----*
_____	*-----*
_____*	*-----*
_____	*-----*
_____	*-----*
_____	*-----*

تمامی خصایر و ویژگیهای قصیده را در بحر طویل میتوان یافت حتی

تقسیمات قصیده به حسن مطلع حسن مقطع تشبیب نمیب گریز تخلص و

در بحر طویلهای اولیه قافیه دو بند بیت اول با بندهای آخر هر بیت

برابر است ولی رفته رفته این قاعده برهم خورد و نظم مناسقی آن درهم ریخت

۲- در بیش از ۸۰٪ بحر طویل‌های موجود ردیف " را " بعنوان جزء لا یتغیر در پایان هر مصرع تکرار می‌شود و حرف روی قوافی بیشتر موارد " الف " است .
این خصیصه که در اولین بحر طویل این مجموعه نیز دیده می‌شود عیناً در بند عربی وارد شده است بدون آنکه عرب‌زبانان دلیل خاصی برای آن داشته باشند چنانکه در بخش آخر اشاره خواهد شد .

۳- هر بند بحر طویل از تعداد معین رکن عروضی به شرط تکرار و توالی تشکیل شده است و این خلاف سنت رایج عروضی است . سنت رایج عروضی چنانست که هر بیت از حداقل چهار رکن تا حداکثر هشت رکن تشکیل یافته است .

۴- در بحر طویل به مصراع " بند " گفته می‌شود و هر بحر طویل از تعدادی " بند " تشکیل می‌شود مجموع دو بند یک بیت است .

۵- آنچه در باب وزن در بحر طویل گفتنی است آنکه نامگذاری بحر طویل‌ها به بحرهای عروضی جایی ندارد چه آنکه بحر در اثر تعدادی معین رکن عروضی بسا زحاف یابی آن تشکیل شده است و در بحر طویل هیچ گونه زحافی صورت نمی‌گیرد و وزن بحر طویل چون ضربات پتک بر سندان یکسان و متوالی است و تنها از اصطلاح " سلسله ارکان عروضی " بجای بحر میتوان استفاده کرد .

سلسله ارکان عروضی در بحر طویل‌ها این مجموعه بدین قرار است :

الف - فعلاتن : بحر طویل حمدی - دانیال - طریزی - صائب - آصف - نباتی
صامت - صنیر - رفعت - کاسب - نادم - شاه فاتح - فائز - عبدالعلی - خاکی
شاهدا - مجرمی - مهری - مینویی - بهگونه ناشناس - قاسم تونی - عصمت

رموز حمزه - ساعی - جوهری - ناشناس - حالت *

ب) مفاعیلان : مکتوب - توفیق - سجادی

ج) فاعلاتن : گلچین گیلانی

د) فمولسن : فائز

چنانکه معلوم است تقریباً ۹۰٪ بحر طولیهای سروده شده توالی رکنی فاعلاتن

است و همین مسئله باعث شده است دکتر مصائب بحر طولی را چنین تعریف کند:

" بحری که از تکرار ۱۶ فاعلاتن پدید آید مانند : دی گنشم بسر کوی نگاری

..... الخ " (۱)

صاحب غیث اللغات نیز دچار چنین توهمی شده است :

" و آنچه در عام به بحر طولی شهرت دارد بحر رمل معثن مخبون است

که آنرا مضاعف کرده برهانزده رکن بنا نمایند "

بیشتر محققین در این باب چنین پنداشته اند که در جای خود بدان خواهیم

پرداخت تنها آقای دکتر زین العابدین مؤمن در تحول شعر فارسی نظری غیر از

این ابراز داشته اند (۲)

۶- در شعر نو قید تساوی افعیل برداشته می شود اما نکته مهم و قابل توجه

و اهمیت آن است که می بایست استقلال مصراعها توسط پایان بندی آنها رعایت شود

مثلاً اگر یکی از اشعار نیما که بر وزن فاعلاتن است همینطور سلسله فاعلاتن ادامه

می یافت صورت بحر طولی بخود می گرفت در حالیکه نیما در جایی با یک زحاف آنرا

(۱) دائره المعارف دکتر مصائب ذیل بحر طولی

(۲) تحول شعر فارسی ص ۱۱۴

متوقف می‌گردد که هم به شعر نوعی استواری می‌بخشید و هم از سنتهای مسلم شعری
 عدول نمی‌کرد چنانکه :

فاعلاتن فاعلاتن فاع	گر به کار خود فرو باشید
فاعلاتن فاعلاتن فع	یا به کار مردم دیگر
فاعلاتن فاعلاتن فاع	یا بکار همدی ز بار خود

دیده بانی می‌گشمت ناخوب و خوب کارها تنان را

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع

و یا :

شب است مفاع (فعول)

شبی بر تیرگی با آن مفاعیلن مفاعیلان

به روی شاخ انجیر کهن و کدو ار می‌خواند مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

و یا قطعه اخوان از کتاب آخر شاهنامه :

نه پژمرده شود هیچ مفاعیل مفاعیل

نه مافسوده که افسردگی روی مفاعیل مفاعیل مفاعیل

خورد آب ز پژمردگی دل مفاعیل مفاعیل فعولن

ولی در پسر این چهره دلی نیست مفاعیل مفاعیل مفاعیل

گوش برگی و بری هست مفاعیل مفاعیل

ز آب و ز گلی نیست مفاعیل مفاعیل

پس از دور ببینش مفاعیل فعولن

به منظر بنشان و به نظاره بنشینش مفاعیل مفاعیل مفاعیل فعولن

وفتی در زنجیره از مفاعیل از مزاحفات آن فعولن می آید مصرع استقلال خود را در میان دو مصرع پیش و پرخود حفظ میکند • با استفاده از اشباع ، سنگین و سبک کردن هجاها و قافیه آوردن در پایان جمله شعری از متدبیه شدن با بحر طویل جلوگیری می کند و این نکته ای بود که نیما متذکر آن شده است :

” قطعاتی که جوانان در این سالها به سبک من ساخته اند از حیث وزن هریج و مریح عروضی را ایجاد کرده است مصراعها در آنها استقلال ندارند هیچ قاعده ای - ضمانت استقلال آنها را نمی کند اکثر اینها به اصطلاح عامیانه بحر طویل ساز هستند فقط بعضی از جوانها که با من تماس نزدیک داشته اند متوجه پایان بنسدی مصراعها شده اند همینطور متوجه شده اند که کجا قافیه برای مصراعها لازم می آید •”
پرقطعه باران گلپن گیلانی را نباید شعر نو دانست همان بحر طویل است چون سلسله متناوب فاعلاتن است :

باز باران با ترانه با گهرهای فراوان می خورد بریام خانه

اما قطعه دیگری شعر نو است چرا که هر مصرع توسط اشباع و قافیه استقلال خود را حفظ کرده است :

پشت شیشه باد شبرو چار میزد

برف سیمین شاخها را بار میزد

پیش آتش باز مهوش نسیم نسیم تار میزد

۷- در بحر طویل تعداد ارکان گاه مساوی و گاه نامساوی است •

(۱) مجموعه اشعار نیما چنتی عطائی مقدمه ص ۲۷

مثلاً بحر طویل عصمت هر بیت ۲۴ بار فعلاتن با نور منظم تا آخر بند است و یا بحر
لویل فائز هر مصراع با نور منظم تکرار ۳۰ فعلاتن است همچنین است بحر طویل‌های
طرزی افشار - حمدی دانیال دولت‌مافی
.....

اما در دسته دیگری از بحر طویل‌ها که زمان سرایش آن متأخر تر است محدودیت
و قید تصویب ارکان در هر بند از بین می‌رود گاه بندی از یک بحر لویل ۳۰ بار فعلاتن
است و بند دیگر ۴۰ و یا بیشتر . اکثر کسانی که دست به تعریف بحر طویل زده اند فید
نا محدود را آورده اند و این را شرط بحر طویل دانسته اند حال آنکه اصولاً چنین قیدی کمی
غیر منطقی بنظر می‌رسد بهر حال می‌بایست این سلسله افساعیل به جایی محدود گردد تا
صورت شعر بخود گیرد .

در ثانی گفتیم در نمونه‌هایی اولیه بحر طویل، تعداد ارکان مساوی و محدود
بود بعدها با گذر این شعر عوام پسند فید تساوی برداشته شد که از عهده عوام هر
گونه قیدی خارج است .

۸- وجه افتراق مسط مسجع با بحر طویل در تشخیص قافیه درونی مسط است حال آنکه بین
عبارات بحر طویل مسجع برقرار است . بحر طویل فاقد قافیه درونی بشکل منتظم
و متناوب است اگر بین هر چند رکن کلماتی هم وزن و قافیه آورده شود آنرا می‌بایست
مسجع محسوب داشت . به این بند فائز توجه کنید :

پریشان دل مستمندان ، همه محو و صیران ، چو آینه بیچان ، تو مشغول بازی ، بهر لهر
راضی ، چسود است و آئین ، بعید این ز تمکین ، ز جور خلقی پریشان و ایتر .
چنانچه ملاحظه می‌شود بین عبارات مسجع وجود دارد نه قافیه . حال اگر

ابیات دارای قافیه درونی باشند شعر ما مسط است نه بحر طویل مثل این مسط سنائی :

آرام جان من مبر عیشم مکن زیرو زبر

در زاری کام نگر چون دلم از حالم خیر

رحمی یکنی زان پیشتر کاید جهان بر من بسر

بگذار تا در رهگذر با تو برآیم یک نفس

یکی از راههای تشخیص بحر طویل از مسط پی بردن به قافیه درونی است

و اگر مسط بالا را پیوسته می نوشتیم حالت بحر طویل بخود می گرفت

شبلی نعمانی محقق هندی در جلد اول شعرالعجم می گوید :

"عبدا لواسع مسجع را تا به نه قافیه رسانیده که صورت و شکلی از آن پیدا

می شود و عرب آن را "بحر طویل" نامند "

یا صاحبی ابن الخبر آن سرودسیم بر کز عشق او گشتم سمر تشنه

لب خسته جگر برکنده جان افکنده سر با کام خشک و چشم تر کرده زغم زیر و زیر

دنیا و دین و جان و تن و این هنوز یک مصرع می باشد . (۱)

و بر ما معلوم نشد که شبلی با چه قرینه ای آنرا بحر طویل آنهم نزد عرب

آنچه مسلم آنکه شاهد وی مسط مسجع است دارای قافیه درونی اما پیوسته نوشته شده

است تنها وجه اشتراک و باعث گفتار شبلی توالی و تکرار ارکان است و باز جای سؤال باقی

است که چرا در نزد عرب و این سخن از محقق چون شبلی تفکر بیشتر را می طلبد و نکته

آخری که باید افزود آنکه مسط مسجع قابل تفکیک به مصراعهای مجزا است و در بحر

طویل چینی نظمی بر آن حاکم نیست .

در اولین بحر طویل که یافتیم از دانیال دولتخواهی و دیگری از حمدی تنها عنوان "بحر طویل" دارد و هیچ حتی بعدها نیز کلمه ای کم یا بیش جز بحر طویل ندیدیم و تسمیه این بحر به طویل نیز روشن است بعلم طولانی بودن هر مصراع است در بین فارسی زبانان مقصود از "بحر طویل" معلوم بود و بعلم کم استعمالی بحر طویل عروسی امکان اشتباه خیلی کم بود این بعدها بود که چون تصویر وقت عوام بدین قالب بیشتر طبع آزمایی می کنند و بعلم رواج آن بین عوام به "عامیانه" شهرت یافت. علت اقبال عوام نیز بدین بحر روشن است روانی، تند و سرعت وزن و آهنگی بودن آن باعث شهرتش بین عامه مردم گشت و وزنی بود جهت بیان مطالب فکاهی و جدایی از اینها در شبیه خوانی و قسمتهایی از تمزیه ها نیز از آن استفاده می شد و هم در مراسم خضوری که بدان خواهیم پرداخت و همه اینها بیشتر در بین عوام شهرت داشت و ظاهراً اولین کسی که آنرا عامیانه دانفت و نه بنه طور صریح صاحب غیثات اللغات است :

"آنچه در عرف عام به بحر طویل شهرت دارد (۱)"

و علامه قزوینی آنرا صریحاً عامیانه خوانده است :

"بحر طویل عامیانه عباله فقد در کتاب غیثات اللغات ذکری از آن میکند ..."

..... گفته بودند این بحر طویل عامیانه از بحر هزج مکسوف است یا جایی مثال

ملولی قریب پنج شش صفحه زده از این بحر طویل عامیانه یا رساله کوپکسی از

این قصه عامیانه بر وزن بحر طویل عامیانه داریم " (۱)

اخوان ثالث ترجیح داده . آنرا " بحر طویل فارسی " بنامیم

بعلمت مشتبه نشدن با بحر طویل عرب و حزم اینچنین است چرا که اشعار

غیر عامیانه نیز در این بحر سروده میشود که در بخش موضوعات از آن یاد

خواهیم کرد .

...

(۱) یاد داشته‌های علامه قزوینی ج ۴ ص ۱۸ - ۱۷

« در هنر هر کاری از ریشه قبلی آب میخورد »

« نیما »

بحر طویل نوعی خروج از سنت های عروضی است و جهت بررسی پیشینه آن
سرایش
می بایست سیری در قوالبشعری داشته باشیم . پیرباز می گردیم به ابتدای شعر
فارسی .

غزل، قصیده، مثنوی، رباعی جزء اولین قالبهایی بودند که شاعران
حاصل لبع خود را در آنها ریخته تا با « خود » و « شنونده » ارتباط برقرار
کنند .

منوچهری دامغانی اولین شاعر فارسی زبان بود که نوعی تنوع و خروج را
آغاز کرد چه در انتخاب بحر و اوزان و چه در قالبها و بیجا بود وی مسلم بود البته
قبل از او نیز چهار پاره های سروده می شد که باز به نوعی خروج از سنت است مثل این
نمونه ها از ابوالعباسی شاعر قرن چهارم :

جهانی همانا فوسی و بازی که بر کن نپایی و بنا کن سازی
چو ماه از نمودن چو خور از شنون به گاه ربودن چو شاهین و بازی
چو زهر از چشیدن چو چنک از شنیدن چو باد از بزیدن چو العاسر گازی